



گذشته از فضای فانتزی و جو کمدی قالب بر قصه مدرسه موش ها  
مهم ترین نکته درباره این سریال واقعی بودن مناسبات  
و روابط میان شخصیت ها و نزدیک بودن فضای طراحی شده  
برای کلاس درس به فضای مدارس آن دوره بود

فانژیک

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم  
شنبه ۲۹ شهریور ۹۹ شماره ۷۲۵

همگامی  
۸

درباره چند شخصیت دوست داشتنی تلویزیونی که تصویری به یادماندنی از دانش آموزان ساختند

# بچه های مدرسه تلویزیون

مدرسه و دوران دانش آموزی برای مخاطبانش بسازد.

سریال ها و تله فیلم های مختلفی طی این سال ها ساخته شدند که به شکل مستقیم و غیرمستقیم با محیط مدرسه، کلاس درس و مسائل مرتبط به دانش آموزان گره خورده بود. آثاری که بعضی در زمره بهترین های تاریخ تلویزیون شدند و نام برخی از آنها هنوز هم بعد از چند دهه در ذهن مخاطبان باقی مانده است. این گزارش مروری بر چند مورد از این آثار است.

تلویزیون با خاطرات کودکی اغلب ما گره خورده است؛ کمتر جوان، میانسال و حتی کهنسالی را می توان در جامعه امروز پیدا کرد که از تلویزیون و برنامه های آن در دوره دانش آموزی اش هیچ خاطره ای نداشته باشد. اما این ارتباط همیشه دو طرفه بوده و همچنان که ما دانش آموزان سال های دور از این رسانه جمعی خاطره داریم، این رسانه نیز بارها و بارها سعی کرده تا در قالب آثار نمایشی تصویری خاطره انگیز از

احسان سالمی  
روزنامه نگار

## بچه های مدرسه همت

کارگردان آثاری همچون زیر نور ماه، خیلی دور خیلی نزدیک، به همین سادگی، یه حبه قند و قصر شیرین زمانی کارش را با ساخت سریال های تلویزیونی آغاز کرد و بچه های مدرسه همت نیز از جمله همین آثار بود. رضا میرکریمی بچه های مدرسه همت را با داستانی در یک مدرسه شبانه روزی ساخت. در هر قسمت از این سریال برای یکی از بچه ها که از شهری دیگر به آن مدرسه آمده بود، اتفاقی تازه رخ می داد و با تلاش و پا در میانی معلم مدرسه، ماجرای آن دانش آموز حل و فصل می شد. زندگی آدم های حاضر در این مدرسه بیشتر از دانش آموزان مدارس معمولی به هم گره می خورد. روایت متفاوت و قصه گوی میرکریمی در بچه های مدرسه همت و البته پررنگ کردن نقش مدیر، ناظم و معلم به عنوان شخصیت هایی که مدرسه با نام و فعالیت آنها گره خورده است، اتفاقی مهم بود که بعدها هم در بسیاری از سریال های تلویزیونی تکرار شد تا آثار ساخته شده پیرامون مدرسه صرفا حول محور دانش آموزان نباشد.



## محسن

«باز مدرسم دیر شد» با هنرنمایی مثال زدنی اکبر عبدی، در زمره موفق ترین آثار تاریخ تلویزیون قرار می گیرد. این سریال یکی از محبوب ترین سریال های دهه ۶۰ بود که در سال ۱۳۶۲ برای نخستین بار از شبکه اول سیما به روی آنتن رفت. قصه این سریال درباره پسر بازیگوشی به نام محسن (با بازی اکبر عبدی) است که همیشه مدرسه اش دیر می شود و هر بار هم بهانه ای برای دیر رسیدن دارد. علاوه بر اکبر عبدی، زنده یادان مهین شهبابی و اسماعیل داورفر، عنایتا... شفیع و مجید رزاز هم از جمله بازیگران این اثر نمایشی بودند. موفقیت این مجموعه ۱۳ قسمتی به قدری زیاد بود که در سال های بعد بارها از شبکه های مختلف سیما بازپخش شد. محبوبیت این سریال و کاراکتر با نمک «محسن» باعث شده بود که تا سال ها پس از پخش این سریال اصطلاح «باز مدرسم دیر شد» اصطلاحی رایج در محاوره های عامیانه مردم ایران باشد؛ اصطلاحی برای آدم هایی که همیشه با تاخیر کارهایشان را انجام می دهند.



## مبصر چهار ساله

«آقا اجازه، الان میگم، زود تند سریع، الان میگم. آقا اجازه هولم نکن، دست و پاها موگم نکن»، این دیالوگ معروف سریال «ق مثل قلقلک» بود که تا سال ها در محاوره های عامیانه مورد استفاده قرار می گرفت. سریالی با هنرنمایی مرحوم حسین محب اهری که از تیتراژ آن که خودش کارگردانی و بازیگری آن را برعهده داشت، به عنوان یکی از خاطره انگیزترین تیتراژها یاد می کرد. این مجموعه تلویزیونی که در سال های ابتدایی دهه ۷۰ پخش می شد، به دلیل فضای بامزه ای که از رابطه دانش آموز و معلم نشان می داد، نه تنها در آن دوره مورد توجه مخاطبان قرار گرفت بلکه در سال های بعد نیز همیشه به عنوان یکی از ماندگارترین آثار ساخته شده با محوریت کلاس و مدرسه در ذهن مخاطبان

باقی ماند. مبصر این کلاس، دانش آموزی است که چهار سال در این کلاس سابقه دارد، از این رو او را مبصر چهارساله کلاس می نامند. «ق مثل قلقلک» با اسامی همچون «درس شیرین ریاضی» و «مبصر چهار ساله کلاس» نیز در میان مخاطبان شهرت یافت. مرحوم حسین محب اهری که علاوه بر ایفای نقش معلم سختگیر کلاس، کارگردانی این سریال را هم برعهده داشت، درباره استفاده از تعبیر «درس شیرین ریاضی» برای این سریال گفت: «تا آن زمان، درس ریاضی، درسی سخت و محصل گیر به شمار می رفت. برای همین با خود اندیشیدم و برای تلطیف این درس در ذهن بچه ها، آن را درس شیرین ریاضی نامگذاری کردم.»



## نارنجی، کپل، گوش دراز و دیگران

از آنجا که از قدیم الایم گفته اند که «چونکه با کودک سروکارم فتاد/ هم زبان کودکان باید گشاد»، قطعاً یکی از بهترین راه ها برای یاد دادن آداب اجتماعی به کودکان، استفاده کردن از ظرفیت نمایش و تصویر برای ارتباط برقرار کردن با آنهاست. «مدرسه موش ها» که در واقع یک نمایش عروسکی بود، از جمله تلاش های تلویزیون در سال های دهه ۶۰ است که سعی داشت تا کودکان را با دیدن قصه ای فانتزی با خلق و خوی خود و دوستانشان آشنا کند و راه و روش زندگی را به آنها بیاموزد. مرضیه برومند خالق «مدرسه موش ها» با شخصیت پردازی فوق العاده ای که برای تک تک شخصیت های این نمایش عروسکی انجام داده بود باعث شد تا شخصیت هایی مثل کپل، گوش دراز، عینکی، نارنجی، سرمایی و... در نگاه مخاطب تبدیل به نماینده کودکانی شوند که هر کدام با یک ویژگی متفاوت راهی محیط مدرسه و کلاس می شوند. گذشته از فضای فانتزی و جو کمدی قالب بر قصه مدرسه موش ها، مهم ترین نکته درباره این سریال واقعی بودن مناسبات و روابط میان شخصیت ها و نزدیک بودن فضای طراحی شده برای کلاس درس به فضای مدارس آن دوره بود. اتفاقی که باعث می شد تا دانش آموزان بدون آن که متوجه شوند قرار است از سوی بزرگ ترها نصیحت شوند، با اشتیاق و علاقه پای قصه های این مدرسه پرماجرا و شخصیت های آن بنشینند.



## مجید

شخصیت «مجید» با بازی مهدی باقریگی در مجموعه تلویزیونی «قصه های مجید»، به نوعی نماد دانش آموزان ایرانی در دهه ۶۰ و سال های ابتدایی دهه ۷۰ بود. کیومرث پوراحمد سریال قصه های مجید را بر اساس داستانی به همین نام از هوشنگ مرادی کرمانی ساخت. این سریال که تاکنون بارها از شبکه های مختلف تلویزیون و عموماً به بهانه سال تحصیلی بازپخش شده است، بیشترین موفقیتش را با وادار شخصیت های دوست داشتنی آن به ویژه قهرمان قصه یعنی مجید و البته باورپذیری قصه اثر بود. هر چند که همه قصه مجید در محیط مدرسه نبود اما قطعاً جذاب ترین بخش های قصه او یا در محیط مدرسه می گذشت یا به موضوعاتی مثل امتحان و دغدغه های دانش آموزی مرتبط می شد. تقابل شخصیت مجید با آقای ناظم با بازی جهانبخش سلطانی که نقش ناظمی سختگیر را ایفا می کرد، از جمله بخش های به یادماندنی این سریال بود. ناظم مدرسه مجید با آن قیافه جدی و روحیه سختگیر که مورا از ماست می کشید، دقیقاً یادآور خاطرات بخش عمده ای از کودکان دهه ۶۰ و ۷۰ محیط مدرسه است. این کنار جنب و جوش مجید و فضای پر از انرژی مدرسه با آن شوخی ها و سرخوشی های کودکانه بگذارد که همه یادآور خاطرات تلخ و شیرین دوران مدرسه است و همین مشاهدات زیاد میان محیط مدرسه با زندگی شخصی اغلب دانش آموزان ایرانی در آن سال ها، این سریال را دوست داشتنی تر می کرد.

